

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

فرمایش مرحوم شیخ انصاری (قدس سره)

بحث در تبیین فرمایش مرحوم شیخ (ره) در بحث «تقدیم قبول بر ایجاب» بود. که شاید یکی از مواردی که فهم مراد شیخ (رض) مقداری مشکل باشد و یا در فهم مراد ایشان بین بزرگان اختلاف است همینجاست. آیا ایشان در مفهوم «قبول»، «مطاوعه» را مطلقاً معتبر می‌داند یا معتبر نمی‌داند؟ آیا در مفهوم «قبول»، «انشاء نقل فی حال القبول» را در همه موارد معتبر می‌داند یا خیر؟ لذا به دلیل ابهاماتی که وجود دارد، ابتدا کلام شیخ (ره) را آنگونه که خودمان از مکاسب فهمیدیم بیان می‌کنیم، پس از آن به اشکالات بر ایشان می‌پردازیم. سپس مبانی بزرگان دیگر را هم در باب «تقدیم قبول بر ایجاب» ذکر می‌کنیم.

بخش اول فرمایش مرحوم شیخ (ره)

مرحوم شیخ (ره) ابتدا فرموده‌اند؛ باید بین «الفاظ قبول» تفصیل دهیم. الفاظ قبول را سه قسم کرده‌اند: 1) اینکه قبول به لفظ «قبلیت» و «رضایت» باشد. 2) اینکه بنحو «امر و استیجاب» باشد. 3) اینکه به لفظ «اشتریت» باشد. آنگاه فرموده‌اند؛ در قسم اول و دوم، که بلفظ «قبلیت» یا به صیغه امر است، تقدیم قبول بر ایجاب جایز نیست.

دلیل عمده‌ای که بر این دو قسم دارند این است که در «حقیقت قبول»، «انشاء نقل فی حال القبول» معتبر است، اما در قسم سوم هم می‌فرمایند که چون با «اشتریت»، «انشاء نقل فی حال القبول» واقع می‌شود، مانعی ندارد و «اشتریت» می‌تواند بر «بعث» مقدم شود. اما در ادامه به همین هم اشکالی وارد کرده‌اند و فرموده‌اند «لکن یشکل»، زیرا تقدیم قبول بر ایجاب، بر خلاف معهود و متعارف است و ما ادله‌ی وارده در معاملات، مثل «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» □ «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» و «تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» را بر عقد و بیع متعارف حمل می‌کنیم، و عقد متعارف آن است که ابتدا ایجاب ذکر شود بعد قبول بیاید. پس در همین سه قسم الفاظ قبول، در قسم اول و دوم صریحاً می‌گویند اشکال دارد، و قسم سوم اشکالی ندارد الا از این جهت که خلاف متعارف است. نتیجه‌گیری مرحوم شیخ (ره) در این قسمت اول این است که؛ «قبول» باید جامع امرین باشد؛ «رضایت به ایجاب» و «انشاء نقل فی حال القبول».

بخش دوم فرمایش مرحوم شیخ (ره)

در قسمت دوم می‌فرمایند «ثُمَّ إِنْ مَا ذَكَرْنَا جَارٍ فِي كُلِّ قَبُولٍ يُؤَدِّي بِإِنشَاءٍ مُسْتَقِلٍّ كَالْإِجَارَةِ الَّتِي يُؤَدِّي قَبُولُهَا بِلَفْظٍ "تَمَلَّكَتُ مِنْكَ مَنْفَعَةً كَذَا" أَوْ "مَلَّكَتُ"، وَ النِّكَاحِ الَّذِي يُؤَدِّي قَبُولُهُ بِلَفْظٍ "أَنْكَحْتُ" وَ "تَزَوَّجْتُ"؛ که آنچه را ذکر کردیم در جایی است که قبول با

يك انشاء مستقل ذكر شود، مثل اين كه در باب اجاره، مستأجر بگوید «تملكت منك منفعة هذا الدار بكذا» ، يا «ملكك منفعة هذا الدار بكذا»، يا در عقد ازدواج مرد بگوید «تزوجتك لنفسی علي المهر المعلوم» ، اینها در جایی است که قبول با انشاء مستقل باشد. «و أما ما لا إنشاء في قبوله إلا "قبلت" أو ما يتضمنه ك "ارتھنت" فقد يقال بجواز تقديم القبول فيه . . .

و التحقيق: عدم الجواز؛ لأن اعتبار القبول فيه من جهة تحقق عنوان المرتھن»، و اما در مواردی که انشاء مستقل ندارد، مثل «قبلت» یا «ارتھنت» در باب رهن، یا «اتھبت» در باب هبه، می فرمایند در این گونه موارد برخی گفته اند تقدیم جایز است، اما تحقیق این است که در این موارد تقدیم جایز نیست. زیرا در «باب رهن»، باید بر کسی که می خواهد قبول در رهن را بگوید صدق کند که «أنه مرتھن» - در رهن، به کسی که رهن می گذارد، رهن می گویند، به کسی که رهن را قبول می کند مرتھن می گویند، و در قبول رهن باید ارتھان صدق کند-، و در باب رهن صدق ارتھان نمی شود مگر جایی که قبول بعد از این باشد که رهن بگوید «من این را رهن گذاشتم»، تا رهنی نباشد صدق ارتھان نمی کند، و تا ارتھان نکند قبول در رهن محقق نمی شود.

لذا در باب رهن باید قبول رهن مؤخر باشد. در «باب هبه» نیز، تا صدق اتھاب و متھب نکند قبول هبه واقع نمی شود، صدق اتھاب و متھب بودن جایی است که ابتدا واهب بگوید «وهبتك هذا» ، تا بعد دیگری بتواند بگوید «اتھبت» یا «قبلت الهبة». یا در «باب قرض» تا مقرضی نباشد مقرض صدق نمی کند، و بر قبول مقرض، اقتراض صدق نمی کند.

می فرمایند در این گونه موارد باید قبول متأخر از ایجاب باشد، زیرا اگر مقدم باشد صدق قبول در این گونه موارد محقق نمی شود، صدق «ارتھان»، صدق «اتھاب»، صدق «اقتراض» محقق نمی شود. در این قسمت دوم کلام مرحوم شیخ (ره) يك احتمال دومی وجود دارد، که مراد از «ما ذكرنا»، فقط قسم سوم از الفاظ باشد. اما ظاهراً این است که «ما ذكرنا» به همه اقسام بر می گردد.

كلام شیخ (ره) را در این قسم دوم عرض کردیم. فهم این کلام مشکل است، که بالاخره مقصود و مختار شیخ (ره) چیست؟ در قسمت دوم می گویند آنچه را که ما ذكر کردیم در آن قبولی است که با يك انشاء مستقل اداء شود. ظاهر این عبارت این است که ایشان در قبول، «انشاء نقل فی حال النقل» را مطلقاً معتبر نمی داند بلکه در قبولی که انشاء مستقل دارد معتبر می داند. اما در قبولی که انشاء مستقل ندارد آنجا مطاوعه را معتبر می داند. اگر کسی از خود شیخ انصاری (اعلی الله مقامه الشریف) سؤال کند در جایی که بایع می گوید «بعتك»، و مشتری می گوید «قبلت»، شما که می فرمودید در قبول، انشاء نقل معتبر است، آیا در این «قبلت» انشاء نقل است؟ می فرمایند خیر. یا اگر زن بگوید «زوجتك لنفسی» و مرد هم بگوید «قبلت» ، در این قبول، انشاء زوجیت وجود ندارد.

حتی می فرمایند در باب صلح - اگر صلح مفید اسقاط ذمه باشد-؛ که من مالی را از شما طلب دارم، شما می گوید بر این کتاب مصالحه کنیم، این کتاب را من به شما می دهم در مقابل آنچه که از من می خواهی، و ذمه من را بری کن، و من هم می پذیرم، تا اولی نگوید «صالحتك علی كذا»، اسقاط ذمه واقع نمی شود. اگر قبل از اینکه او بگوید «صالحتك» ، من بگویم «اسقط ذمتك» مصالحه واقع نشده است. بلکه باید او «صالحتك» را بگوید، تا نتیجه اش اسقاط باشد. پس قبول در این مصالحه امکان ندارد مگر بعد از اینکه ایجاب محقق شود.

البته باید دقت کرد که مرحوم شیخ (ره) در مسئله صلح می فرمایند: در جایی که صلح مفید تمليك عین یا تمليك منفعت است، مثل اینکه شما کتابی را به دیگری می دهید، دیگری هم در مقابل آن لباسی به شما می دهد، کتاب را در مقابل لباس مصالحه می کنید، هر دو هم تمليك می کنید، مرحوم شیخ (ره) می فرمایند در اینجا دو التزام در مقابل هم هستند، اگر او بگوید «صالحتك علی كذا» ، شما هم بخواهید بگویید «صالحتك علی كذا» ، این غلط است. می فرماید به نظر ما نمی تواند در يك عقد دو ایجاب باشد، حتماً باید یکی از آنها قبول باشد. زیرا اجماع داریم بر اینکه عقد باید متشکل از يك ایجاب و يك قبول باشد، اگر او گفت «صالحتك» و شما هم گفتید «صالحتك» ، این یک عقد مرکب از دو ایجاب است.

نتیجه اینکه در صلح متضمن تملیک، و بلکه در صلح اسقاطی نیز، قبول فقط با لفظ «قبلت» محقق می‌شود. لذا شیخ(ره) نتیجه می‌گیرد که اولاً قبول در صلح، حتماً باید مؤخر باشد، و ثانیاً حتماً باید به لفظ «قبلت» باشد. پس در قبول در باب «رهن»، «هب»، «قرض»، «صلح» (مفید اسقاط ذمه)، انشاء نیست و در آن نقل معتبر نیست، بلکه انشاء جایی است که قبول با انشاء مستقل واقع شود، اما در این گونه موارد، «مطاوعه» معتبر است. پس با دقت در کلام شیخ(ره) در می‌یابیم که ایشان «انشاء نقل» را مطلقاً معتبر نمی‌داند، چنانکه «مطاوعه» را مطلقاً معتبر نمی‌داند، بلکه در جایی که قبول به انشاء مستقل است، «انشاء نقل» را معتبر می‌داند، در جایی که قبول به انشاء مستقل نیست، «مطاوعه» را معتبر می‌داند.

بخش سوم فرمایش مرحوم شیخ(ره)

در قسمت سوم در مقام جمع بندی می‌فرمایند: «فتلخص مما ذكرنا: أنَّ القبول في العقود على أقسام»؛ که قبول در عقود دارای اقسامی است. در بعضی از قبولها، از سویی قابل «التزام به شیء» و «التزام به نقل» است، یعنی قابل هم مثل موجب خودش انشاء نقل می‌کند و التزام به نقل یا زوجیت دارد. در برخی از قبولها، مجرد «رضای به ایجاب» است. در قسم دوم (قبول، مجرد رضایت به ایجاب باشد)، تقدیم قبول بر ایجاب مانعی ندارد. و اما قسم اول؛ دو نوع است. زیرا التزام حاصل از قابل؛ یا نظیر «التزام حاصل از موجب» است، مثل مصالحه - که در مصالحه، التزام این دو نفر عین هم است - و یا التزام قابل؛ مغایر با التزام موجب است، مثل اشتراء. باز این قسم دوم (مغایرت التزام قابل با موجب)؛ دو قسم است: یا در التزام موجب، مطاوعه معتبر است، مثل ارتهان، اتهاب، اقتراض، و یا اینکه زاید بر رضایت به ایجاب چیز دیگری در آن معتبر نیست، مثل وکالت، عاریه و شبیه این دو. آنگاه فرموده‌اند «فتقديم القبول على الايجاب لا يكون الا في القسم الثاني من كل من القسمين»؛ تقدیم قبول بر ایجاب در قسم دوم از هر يك از این دو قسم جایز است؛ یعنی جایی که مجرد رضای به ایجاب باشد و جایی که تغایر باشد.

نتیجه فرمایشات مرحوم شیخ(رض)

نتیجه این می‌شود: در قسمت اول فرمود؛ الفاظ قبول سه نوع است «قبلت»، «امر» (بعنی)، «اشتریت». در «قبلت» فرمود مقدم نمی‌شود. در «اشتریت» در اول بحث می‌گوید می‌شود مقدم باشد اما در آن اشکال می‌کند، اما در بخش سوم که می‌فرماید «فتلخص مما ذكرنا»، يك ضابطه دیگری می‌دهد، که هر جا قبول، مجرد رضای به ایجاب باشد و لو با لفظ «قبلت» باشد مقدم می‌شود.

مثل اینکه به کسی می‌گوید: من قبول می‌کنم که تو من را وکیل کنی که خانه ات را بفروشم، او هم او را وکیل می‌کند. یا می‌گوید من قبول می‌کنم که این مالت را به من عاریه دهی، او هم آن را عاریه می‌دهد. پس آنجایی که قبول، «مجرد رضای به ایجاب» است و در آن التزام مستقلی نیست و مطاوعه هم نیست مثل رهن و هبه و اینگونه موارد، قبول می‌تواند بر ایجاب مقدم شود و لو بلفظ «قبلت» یا «رضیت» باشد، که بگوید من راضی هستم که شما من را وکیل کنید که خانه ات را بفروشم او هم وکیل می‌کند، یا بگوید من راضی هستم مالت را به من عاریه دهی تا من استفاده کنم او هم عاریه می‌دهد. لذا شیخ(ره) می‌فرماید اگر قبول در وکالت، عاریه و ودیعه، مقدم بر ایجاب باشد مانعی ندارد. پس مرحوم شیخ(ره) مجموعاً سه مطلب دارد؛ اول تفصیل بین الفاظ عقود، دوم؛ تفصیل بین آن قبولی که انشاء مستقل می‌خواهد و آن قبولی که انشاء مستقل نمی‌خواهد، سوم؛ تفصیل و نتیجه‌گیری از مجموع این کلمات است، که نتیجه این شد که آنجایی که مجرد رضای به ایجاب است تقدیم مانعی ندارد، آنجایی که يك انشاء مستقل مغایر است مثل «اشتریت»، هم تقدیم مانعی ندارد. اکنون به بیان اشکالات بر شیخ(ره) می‌پردازیم. کلماتی از مرحوم اصفهانی(ره) و مرحوم امام(ره) و مرحوم آقای حکیم(ره) ذکر می‌کنیم.

و صلى الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.